



✓ پیر خرمند ایران

✓ چهارشنبه سوری

✓ آیین سنتی سمفونیزان در شیراز

✓ نوروز همیشه پیروز





مدیر مسئول: علی پورعسگری شیرازی نژاد

سردبیر: نگار رنجبر

ویراستاران: محمد علی صفاری زاده، علیرضا قوهستانی

عکاس جلد: فاطمه نوشادی

تدوین کلیپ: مریم طاهری

اعضای هیئت تحریریه:

علی پورعسگری شیرازی نژاد، نگار رنجبر، محمد علی صفاری زاده،  
نیما دهقان، علیرضا قوهستانی، محمد رحمتی، سعید کاشی گر

طراح و صفحه آرا: علی پورعسگری شیرازی نژاد

گویندگان:

سارا نظری، نازنین جوکار، حسین عابدی، سید علی سجادی، مریم  
نظری، محمد علی صفاری زاده، فاطمه تقوی، فرشته باباخانی، نرگس  
دهقان، هدیه عامری، محمد امین سعیدی و مهدی اکبری نژاد

نویسندگان شماره ۳:

محمد علی صفاری زاده، فائزه میرزایی عرشلو، نگار رنجبر، محدثه  
استخری، راضیه سیاح، محمد مهدی مازرلو، مریم انصاف، علی  
پورعسگری شیرازی نژاد، فرشته باباخانی

## فهرست

- سخن سردبیر ..... ۲
- پیر خردمند ایران، زرتشت اسپیتمان ..... ۳
- نوروز در کشور های حوزه تمدنی ایران ..... ۵
- شاعر سترگ ..... ۸
- ای گلستان خجل ..... ۹
- چهارشنبه سوری ..... ۱۰
- نوروز همیشه پیروز ..... ۱۳
- سیزده به در ..... ۱۵
- آیین سنتی سمنو پزان در شیراز ..... ۱۷
- عید آن روز شود عید که او برگردد ..... ۱۸
- منابع ..... ۱۹

## نویسندگان و پژوهشگران محترم!



این نشریه متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار نشریه ایران شهر قرار دهید تا با انعکاس آن ها،  
علاقه مندان به این حوزه در تجربیات شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- موضوعاتی را که میفرستید، با موضوع نشریه مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد و در ضمن مطالب ارسالی قبل از ارسال با مدیر داخلی نشریه مطرح شود.
- چنانچه مطالب ارسالی از منابع خاصی استفاده شده است را حتما در زیر مطالب ارسالی ذکر فرمایید.
- نثر، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.



## سخن سردبیر

و بر آمد بهاری دیگر

مست و زیبا و فریبا ، چون دوست

سبزی پیدا کن

پر کن از سوسن و سنبل که نکوست

همره باد بهاری بفرست:

پیک نوروزی و شادی بر دوست!

درود بیکران بر تمامی مخاطبان عزیز نشریه ایران شهر و عرض تبریک و شادباش به مناسبت آغاز سال نو و بهترین ها را برای شما آرزومندم. باری دیگر خداوند منان این فرصت را در اختیار اعضا پرتلاش نشریه ایران شهر قرار داد تا بتوانیم در آغاز سال جدید دیدگان شما را میزبان این شماره از نشریه با محتوا جذاب، شاد و نوروزی باشیم در حقیقت تداوم انتشار نشریه ایران شهر بدون مشارکت و همراهی شما عزیزان امکان پذیر نخواهد بود. استقبال و رضایت شما از مطالب شماره سوم نشریه ایران شهر باعث شکوفائی این نشریه در جمع دانشجویان سراسر کشور به ویژه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و همواره مایه دلگرمی ما خواهد بود. لازم می دانم پیشاپیش از دوستان و همکاران بزرگواری که در انتشار مجدد نشریه ایران شهر تلاش نمودند، صمیمانه قدردانی نمایم؛ انشالله که بتوانیم روز به روز شاهد موفقیت و درخشش تک تک شما عزیزان باشیم.

یادتان باشد فرا رسیدن سال نو همیشه نوید بخش افکار نو، کردار نو و تصمیم های نو برای آینده است، آینده ای که همه ما امید داریم بهتر از گذشته باشد. در این سال نو، ۳۶۵ روز توأم با سلامتی، شادی، پیروزی، مهر، دوستی و عشق را برای شما آرزومندم... .



گاهشمار رسمی کشورمان ایران، امسال با ویرایشی نو به چاپ رسیده است. اگر نگاهی به گاهشمار و تقویم‌های سال ۱۴۰۰ بیندازید، خواهید دید که در ششم فروردین رویدادی کهن افزوده شده است و آن رویداد خجسته، زادروز زرتشت پیامبر است. به همین بهانه نشریه ایران‌شهر بر آن شده است تا به کوتاهی به زندگی‌نامه این بزرگ‌مرد بپردازد.

### ریشه‌شناسی نام زرتشت:

زرتشت به معنی ستاره درخشان و روشنایی زرین است. اوستاشناسان معنی‌های دیگری را مانند دارنده شتر زرد، دارنده شتر با جرأت، پسر ستاره و... پیشنهاد داده‌اند. در میان آریاییان کهن نام‌گذاری با نام ستوران و چارپایان را در نام پهلوانان و بزرگان می‌بینیم؛ مانند لهراسپ به معنای دارنده اسب تندرو و ارجاسپ به معنای دارنده اسب ارجمند و با ارزش. اما به نگر می‌آید که همان معنی ستاره درخشان و زرین مناسب‌تر است؛ چون «زرت» به معنی درخشان و «آسترا» (نه اشتر) به معنی ستاره است.

### خاندان زرتشت اسپیتمان:

مادر ایشان دوغدو، از خاندان فراهیم، با پوروشسب، از خاندان اسپیتمان، پیمان زناشویی می‌بندد. زرتشت بر پایه سنت سه بار ازدواج می‌کند. نام زن نخست و دوم معلوم نیست اما نام زن سوم ایشان هووی بوده است. فرینی، ثریتی و پوروچیستا دختران ایشان و ایست‌واستره، اوروت‌نره و هورچیتره پسرانشان بودند.

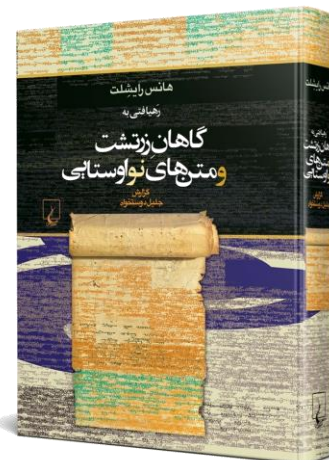
### زمان و زادگاه زرتشت:

به گفته پرفسور عباس شوشتری (مهرین): «هر نویسنده باستانی که یادی از زرتشت نموده او را شخصی باستانی گفته است و نویسنده‌ای نیست که زرتشت را نزدیک به عصر خود نوشته باشد که دلالت دارد بر آن که در همان هنگام هم فاصله زمانی‌اش زیاد بوده و همین امر برخی از جنبه‌های زندگی او را در ابهام افکنده است.» دورترین زمانی که برای زرتشت قائل شده‌اند، سده هجدهم پ.م. و نزدیکترین آن سده ششم پ.م. است. بر پایه دانش زبان‌شناسی تاریخی و داده‌های تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی چنین می‌توان حدس زد که زرتشت میان ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م. می‌زیسته است. زادروز وی در متون پهلوی و اوستایی خرداد روز (روز ششم) از ماه فروردین آورده شده است که به نوروز بزرگ یا نوروز خاصه نیز نامدار است. در منابع پهلوی، عربی و فارسی «ایرانویج» یعنی زادگاه تیره‌های ایرانی را زادگاه زرتشت دانسته‌اند. بیشتر ایران‌شناسان بر این باورند که ایرانویج جایی است در منطقه خوارزم کهن، در شمال خاوری (شرقی) ایران. زبان اوستا نیز در دسته‌بندی‌های زبانی در دسته زبان‌های ایرانی خاوری (شرقی) جای می‌گیرد.

بر پایه اوستای کهن زرتشت از کودکی آموزش‌های دینی می‌بیند؛ زیرا در گاهان (یسن ۳۳، بند ۶) خود را «زوتر» نامیده است و آن اصطلاحی است که در مورد دین‌مردی که دارای شرایط کامل روحانیت است به کار می‌رود. همچنین در اوستای نو (یشت ۱۳، بند ۹۶) درباره او واژه «آثروَن» به کار رفته که به معنای روحانی و دین‌مرد است. در گاهان (یسن ۴۳) اشاره شده که به او از سوی اهورامزدا وحی رسیده است. مری بویس، اوستاشناس نامدار انگلیسی، باور دارد که جامعه زرتشت جامعه‌ای دو طبقه‌ای بوده است که یکی جنگجویان-شبانان و دیگری دین‌مردان بوده است. با تأکیدهای فراوانی که بر یک‌جانشینی و کشاورزی در اوستا می‌بینیم، می‌توان دریافت که اندیشه زرتشت در تحول جامعه او نیز نقش به‌سزایی داشته است. در جای دیگری از گاهان (یسن ۴۶، بند ۲) از دشواری‌های که برای گسترش دین خود روبرو بوده سخن گفته است. چنین آورده شده است که گوی‌ها و گرّین‌های آیین پرستش دیوان را با نوشاندن نوشیدنی مستی‌آور به مردمان و قربانی کردن چارپایان گسترش می‌دادند و با زرتشت دشمنی می‌ورزیدند. سرانجام زرتشت بر آن می‌شود که از زادگاه خود دور شود و به سرزمینی برود که گشتاسپ فرمانروای آن است. گشتاسپ (بر پایه برخی روایت‌های پهلوی و فارسی با معجزه دیدن جایگاه خود در بهشت) پشتیبان دین بهی (زرتشتی) می‌شود. یکی از دشمنان زرتشت ارجاسپ تورانی بوده است که به قلمرو گشتاسپ می‌تازد که روایت آن در روایت حماسی ایاتکارِ زیران آمده است. دلاوری‌های پهلوانان ایرانی مانند زریر، بستور و اسفندیار نیز در این روایت آمده است. بنابر روایت‌های دینی زرتشت پیامبر در سن ۷۷ سالگی، زمانی که در آتشکده بلخ در حال نیایش بوده است، به دست برادریش تورانی کشته می‌شود.

## گاهان زرتشت:

گاهان یا گاتها نیز سروده‌های آسمانی زرتشت پیامبر است. گاهان نخستین سروده ایرانیان است که از روزگاران کهن به جای مانده است. گاهان در میان یسنا، یکی از بخش‌های پنج‌گانه اوستا، جای دارد. پیروی از راستی و داد (عدالت و قانون)، منش و اندیشه نیک، داشتن اراده استوار، فروتنی، رسایی و پیشرفت و زندگی بخشیدن و نام نیک از خود به جا نهادن به عنوان فروزه‌های اهورامزدا، بارها در گاهان تکرار شده است و بر پیروان راستی بایسته است که از آن‌ها پیروی کنند. بر پایه گاهان سهمگین‌ترین دشمن مردم دروغ است و باید از آن دوری جست و به راستی روی نمود. جاودانگی روان و پادافره و پاداش برای روان گناهکاران و پارسایان و همچنین باور به نجات‌دهنده جهان از نیروهای اهریمنی (سوشیانس) برای نخستین بار در این اندیشه ایرانی آمده است. این جستار را پایان می‌بخشیم با سخنی از زرتشت پیامبر که می‌فرماید: « بشنوید با گوش هوش بهترین چیزها را، بنگرید با اندیشه روشن دو راه {نیک و بد} را، آن گاه هر یک از شما زنان و مردان، خودتان داوری کنید و برگزینید راه خویش را. » (گاهان، سرود سی‌ام، بند دوم)







## نوروز در کشورهای حوزه تمدنی ایران

کرد آورنده: فائزه میرزایی عرشلو، آموزش ابتدایی پردیس علامه طباطبائی ارومیه

جشن نوروز که مصادف است با تحویل سال نو برای ایرانیان یک جشن باستانی است و از ماه‌ها پیش از فرارسیدن این جشن بزرگ مردم در تکاپوی آماده‌شدن برای جشن گرفتن آن هستند. اما نوروز را تنها ایرانیان جشن نمی‌گیرند بلکه مردمان دیگر کشورهای جهان مانند پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و قرقیزستان هم نیز جشن می‌گیرند و هر کدام آداب و رسوم خاص خودشان را دارند.

### نوروز در ترکمنستان:

از همسایگان شمالی کشورمان ایران، ترکمنستان است که در سال ۱۹۹۱ میلادی استقلال خود را به دست آورد و از آن پس مراسم کهن و آداب و رسوم قدیمی در این کشور زنده شدند که یکی از آن‌ها نوروز بود. ترکمن‌ها به جشن نوروز (Nowruz Bayra) می‌گویند. مردمان این مرز و بوم دوبار در سال جشن سال نو برپا می‌شود بار اول در آغاز سال نوی میلادی و بار دوم نیز در هنگام نوروز برای زنده نگه داشتن رسم و رسوم کهن، این جشن را در کشورشان برگزار می‌کنند. در ترکمنستان همه شهر را تزئین کرده و با آب و جارو کردن آن را برای رفت و آمد مهمانان خود مهیا می‌سازند. مردم ترکمن در مراکز عمومی به رقص، آواز و پایکوبی می‌پردازند و شادی خود را از آمدن بهار نشان می‌دهند. افزون بر این موارد، مسابقات اسب‌سواری در میان ترکمن‌ها ریشه‌ای بسیار کهن دارد و از فعالیت‌های مورد علاقه آن‌ها است. این مسابقات در نوروز در جای‌جای ترکمنستان برگزار می‌شود و به بساط شادی و شور نوروز دامن می‌زند. از دیگر فعالیت‌های نوروزی برپایی مسابقاتی چون خروس جنگی، گشتی و به طور کلی ورزش‌های دیرین گذشتگان است که مورد استقبال همه اقوام ساکن در ترکمنستان قرار می‌گیرد.





پاکستان نیز از دیگر کشورهایی که جشن نوروز را در کشور خود برگزار می‌نمایند و در پاکستان بیشتر صفت «عالم افروز» را در مورد نوروز به کار می‌برند. مردم پاکستان هم نیز همانند ایرانیان با فرارسیدن ایام نوروز اقدام به خانه‌تکانی و رفت‌و‌روب خانه‌هایشان می‌نمایند. از ویژگی‌های آشکار نوروز در پاکستان برپایی مسابقات کهن است؛ مسابقه‌هایی چون اسب‌دوانی و کشتی. خریدن و پوشیدن جامه‌های نو و رنگارنگ در میان اقوام پاکستان هم از رسوم روزهای نوروز به شمار می‌رود. پاکستانی‌ها خوراکی‌هایی شیرین مانند حلوا، شکلات، ادو، گلاب جامن، رس ملائی، برفی، شکم پاره، کریم رول، سوهن حلوا و شیرینی به یکدیگر تعارف می‌کنند و آمدن فصل بهار را نوید می‌دهند.

## نوروز در تاجیکستان:



نوروز در کشور تاجیکستان، جزء یکی از جشن‌های بزرگ و مهم است؛ زیرا تاجیکستان از روزگاری کهن بخشی از ایران بزرگ به شمار می‌رفته و از همین رو تاجیکان احترام ویژه‌ای برای این جشن قائل هستند. مراسم جالبی به نام بلبل‌خوانی در این کشور وجود دارد که در آن گل‌هایی که از مراسم گل‌گردانی جمع‌آوری کرده‌اند را در مکان‌های خاصی جمع می‌کنند و سپس در کنار گل‌ها خواندن آوازهایی با مضمون بهاری را آغاز می‌کنند. به این دلیل که کشاورزان آخر را بهترین زمان برای کاشت محصولاتشان می‌دانستند با به پایان رسیدن سال و فرارسیدن نوروز به جشن و پایکوبی می‌پرداختند و برکت و محصولات نو را به همگان نوید دهند. اما هم‌اکنون آن‌ها گرد آتش جمع شده و به رقص و پایکوبی می‌پردازند و به صورت صوری یادی از مراسم کشاورزان در گذشته می‌کنند. یکی از جالب‌ترین رسم‌ها در تاجیکستان مراسم گل‌گردانی است. تاجیک‌ها از مناطق طبیعی اطرافشان گل می‌چینند و به یکدیگر می‌دهند تا آمدن بهار را خبر بدهند.

## نوروز در جمهوری آذربایجان:



نوروز یکی از جشن‌های بزرگ در جمهوری آذربایجان است. این جشن همه ساله از بیستم تا بیست و دوم مارس که تقریباً برابر با یکم تا سوم فروردین است، در این کشور برگزار می‌شود. در آذربایجان از چند هفته مانده به نوروز مردم برای برگزاری این جشن خود را آماده می‌کنند. پیش از فرا رسیدن نوروز کارهایی همانند ایرانیان مانند خریدن لباس نو، خانه‌تکانی و ... را نیز انجام می‌دهند. پختن و سرو سمنو از مهم‌ترین آداب در هنگام نوروز و در آذربایجان است. سمنو نشانه برکت است. آذری‌ها خانواده‌های داغدار را در نوروز از یاد نمی‌برند. به دیدار آن‌ها می‌روند و با هم به زیارت قبرهای خویشاوندان از دست‌رفته می‌روند.





## نوروز در ازبکستان

ازبک ها مردمانی بسیار خون گرم و مهمان نواز هستند و در نوروز همانند ایرانیان لباس نو به تن کرده و اقدام به جشن گرفتن می نمایند. به این دلیل که این کشور تا سال های بسیاری تحت سلطه شوروی قرار داشت، اجازه برگزاری نوروز به آنها داده نمی شد. اما خوشبختانه پس از یافتن استقلال خودشان توانستند این جشن باستانی را جشن بگیرند. در نوروز ازبک ها جشن ها و نمایش های زنده خیابانی برپا می کنند و تقریباً از چند روز پیش از فرارسیدن نوروز در کوچه و خیابان های کشور ازبکستان فستیوال ها و رقص و آوازهایی را در خیابان ها می توانید ببینید. یکی از رسم های جالب ازبک ها به مناسبت نوروز کاشتن نهال و توجه به پاکیزگی محیط پیرامون است که از آداب قابل توجه و محسوس در این ایام است. پختن سمنو و چشیدن این خوراکی خوشمزه در ازبکستان نیز رواج دارد. ازبک ها گاهی در سمنو سنگ ریزه می ریزند و اعتقاد دارند این کار نشان دهنده مشکلاتی است که در زندگی با آن رو به رو خواهیم شد. ازبک ها هم رسم دارند که برای عید نوروز سبزه پرورش دهند.

## نوروز در افغانستان

جشن نوروز در کشور افغانستان که جزء یکی از همسایه های بسیار نزدیک ایران نیز به شمار می رود، برگزار می گردد. زمانی که طالبان بر این کشور حاکم بود (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی) افغان ها اجازه برپایی جشن هایی مانند نوروز را نداشتند اما از آن پس با برکناری طالبان هرچه قوی تر مراسم کهنشان را زنده کردند. در افغانستان هم جشن بزرگ نوروز با آداب خاصی همراه است. کشاورزان در افغانستان هم نقش مهمی در نوروز دارند. آن ها محصولاتشان را در معرض دید عموم قرار می دهند و به فروش می رسانند. در سال های گذشته مسئولین رده بالای افغانستان هم از محصولات کشاورزان دیدن می کنند. این رسم بیشتر در شهرهای بزرگ، به ویژه کابل، رونق دارد. مردمان آریانی کهن یا افغانستان نوعی آجیل به نام هفت میوه در زمان نوروز برای پذیرایی از مهمانان خود تهیه می نمایند که شامل پسته، فندق، کشمش و ... می شود.

## نوروز در قزاقستان

مردم در کشور قزاقستان نوروز را فصل اعتدال بهاری می دانند و بر این باور هستند که در این روز ستاره های آسمانی به نقطه آغازین می رسند و همه طبیعت و کائنات تازه و نو می شوند. به باور آن ها نوروز روزی است که «سنگ نیلگون» سمرقند آب می شود. در قزاقستان مردم می کوشند در نوروز جامه های پاکیزه و سپید رنگ بپوشند و در میهمانی ها شانه هایشان را به نشانه دوستی به هم می زنند. قزاق ها در نوروز یک نوع آش خاص دارند که آن را پخته و به هم تعارف می کنند. به این آش «کوژه» می گویند.



## شاعر سترگ

گردآورنده: نگار رنجبر، آموزش ابتدایی مرکز سلمان فارسی شیراز



فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری یکی از عارفان، صوفیان و شاعران ایرانی سترگ و بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم است. او در سال ۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در نیشابور زاده شد و در ۶۱۸ هجری به هنگام حمله مغول به قتل رسید.

عطار داروسازی و داروشناسی را از پدرش آموخت و در عرفان مرید سلسله خاصی از مشایخ تصوف نبود و به کار عطار و درمان بیماران می پرداخت. وی علاقه‌ای به مدرسه و خانقاه نشان نمی داد و دوست داشت راه عرفان را از داروخانه پیدا کند علاوه بر این شغل عطاری خود عامل بی نیازی و بی رغبتی عطار به مدح گویی برای پادشاهان شد. زندگی او به تنظیم اشعار بسیار گذشت از جمله چهار منظومه از وی علاوه بر دیوان اشعار و مجموعه رباعیات او؛ آوازه شعر او در روزگار حیاتش از نیشابور و خراسان گذشته و به نواحی غربی ایران رسیده بوده است. اسنادی نیز در دست است که نشان می دهد حلقه درس های عرفانی عطار در نیشابور بسیار گرم و پر شور بوده و بسیاری از بزرگان عصر در آن ها حاضر می شده اند. در دوران معاصر، شیعیان با استناد به برخی شعرهایش بر این باورند که وی دوست دار اهل بیت بوده است. در طول تاریخ آثار بسیاری به عطار نسبت داده اند از جمله: اسرارنامه، بیان ارشاد، خسرونامه، دیوان قصاید و غزلیات، گل و هرمز، لسان الغیب، مختارنامه، مصیبت نامه، منطق الطیر، تذکره اولیا، اخوان الصفا و... . عطار همواره مورد احترام شاعرانی چون مولانا، صائب تبریزی، محمود شبستری و ... بوده است.

مولانا:

من آن مولای رومی ام که از کلام شکر ریزد

و لیکن در سخن گفتن غلام شیخ عطارم



صائب تبریزی:

گر مولوی به رتبه عطار می رسد

خواهد رسید رتبه صائب به مولوی

روز ۲۵ فروردین ماه در تقویم ایران روز بزرگداشت عطار شناخته شده است که هر سال در نیشابور، آرامگاه وی همراه برنامه های عطارشناسی برگزار می شود.

ورِ ناجیِ دل، مه تبار آمده      ریشه ای از درخشش به بار آمده

ای بهارِ اُخرامان به گلشن رسید      ای گلستانِ نخل، یارِ غار آمده

خوش لقا از برم زد ز چپ تیرِ عشق      بندِ جان از نگاهش به تار آمده

رنش زیبا کندش که دیدم نهان،      من بگردم گمانِ چوبِ دار آمده

چنگ او بر دلم خوش نوایِ رسد      وه! طنین از هزاران به کار آمده

گر زمستانِ حصارِی بسازد مرا،      طعمه ای قلبِ من، بینِ نگار آمده

قامتی از صنم را که دیدم پس      دم بیدم عیارم به تار آمده

این چنین شد که رسمی ز عاشقِ کشان،      صد فراز از وقارش به خوار آمده

آن قدر تشنه ام بهر مهرت بدان،      کز شرابیِ کو اربابِ عار آمده

بنده ای جانِ شام تو ای مه نکه      کردگر جمله ما هم به زار آمده





چهارشنبه سوری یکی از جشن‌های ایرانی است که از غروب آخرین سه‌شنبه ماه اسفند، تا پس از نیمه‌شب تا آخرین چهارشنبه سال برگزار می‌شود و برافروختن و پریدن از روی آتش مشخصه اصلی آن است. این جشن،

نخستین جشن از مجموعه جشن‌ها و مناسبت‌های نوروزی است که با برافروختن آتش و برخی رفتارهای نمادین دیگر، به صورت جمعی در فضای باز برگزار می‌شود.

**واژه‌شناسی:** برخی از پژوهشگران، واژه «سور» در ترکیب «چهارشنبه سوری» را به معنای «جشن» می‌دانند، در حالی که برخی

دیگر از پژوهشگران واژه «سور» را شکل دیگری از واژه «سُرخ» می‌دانند و آن را برگرفته از سرخی آتش و به عنوان نمادی از سرخی چهره و سلامتی فرد به حساب می‌آورند. برخی شواهد و قرائن موجود، مانند رواج تلفظ چارشمبه سُرخ در شهر اصفهان و استفاده از واژه سور به جای سرخ در بسیاری از گویش‌های رایج در فلات ایران، صحت دیدگاه دوم را تقویت می‌نماید؛ شایان ذکر است دو واژه سور و سُهر، که از نظر تلفظ شباهت زیادی به واژه سرخ دارند، در گویش‌های پشتو، لری، بختیاری و کردی به معنای سرخ به کار می‌روند، مانند گل سوری به معنای گل سرخ یا سُهرورد به معنای گل سرخ. نام‌های محلی این جشن عبارتند از: گول چارشمبه (اردبیل)، گوله چارشمبه (گیلان)، کوله چوارشمبه (کردستان)، چوارشمبه کولی (غروه)، و چارشمبه سُرخ (اصفهان). چهارشنبه سوری ریشه در گاهنبار دارد که شش روز پیش از فرارسیدن نوروز برگزار می‌شد. احتمال دیگر این است که چهارشنبه سوری بازمانده و شکل تحول یافته‌ای از جشن سده باشد، که احتمال بعیدی است. در قدیمی‌ترین اشاره به «شب سوری» در قرن چهارم در تاریخ بخارا اشاره‌ای به روز چهارشنبه نیست ولی از لفظ «عادت قدیم» استفاده شده است که نشان‌دهنده پیشینه این جشن است. این فرض که برافروختن آتش در این روز بازمانده سنت اعلان سال نو با آتش‌افروزی بر بام‌هاست و پریدن از آتش، یادمان عبور سیاوش از آتش است نیز مطرح بوده است. از سوی دیگر چون در برخی منابع از شومی روز چهارشنبه سخن رفته، ممکن است ابداع چهارشنبه سوری یا تحول آن به صورت فعلی در سده‌های آغازین اسلامی رخ داده باشد. همچنین گفته شده که چهارشنبه سوری به مناسبت بزرگداشت یاد قیام مختار ثقفی به خون‌خواهی حسین بن علی در ۶۶ هجری در کوفه بوده است که در روز چهارشنبه‌ای آغاز گردید و برای اعلان این قیام، یاران مختار بر پشت بام‌های خانه‌های خود آتش افروختند. برخی مردم نیز باور دارند که برافروختن آتش به نشانه پیروزی مختار بر قاتلان حسین بن علی است، اما این پیشینه توسط شواهد تاریخی تأیید نمی‌شود. همچنین گزارش شده است که ابومسلم خراسانی برای آغاز قیامش در خراسان، به پیروانش دستور داده بود تا بر پشت بام‌هایشان آتش روشن کنند. به گفته ابوریحان بیرونی، هرمزد یکم، شاهنشاه ساسانی، دستور داده بود در نوروز، مکان‌های مهم را با آتش پاکیزه کنند؛ زیرا معتقد بود که عناصر ناسالم در هوا وجود دارند.



در عین حال، ریشه‌ای غیرآیینی برای چهارشنبه‌سوری نیز قابل بررسی است: برافروختن آتش که کاربردهای بهداشتی و خاصیت گندزدایی داشته، احتمالاً جزوی از برنامه‌های نظافت عمومی پیش از آغاز سال جدید بوده، به‌ویژه اینکه دور انداختن و شکستن کوزه‌های قدیمی و مصرف شده در طول سال نیز از رسوم رایج در چهارشنبه‌سوری بوده‌است. با وجود همانندی‌های آداب و رسوم رایج در چهارشنبه‌سوری و جشنی به نام آخری چهارشنبه که در آخرین چهارشنبه

ماه صفر از تقویم قمری به‌ویژه در هند و پاکستان برگزار می‌شود، بعید نیست که این جشن چنان‌که پنداشته شده‌است، دگردیسی چهارشنبه‌سوری در نتیجه فشار و سخت‌گیری علمای متشرع بوده باشد؛ زیرا دست‌کم می‌دانیم که در روزگار اقتدار کامل علما و فقهای شیعه در عصر صفوی نیز این جشن به‌طور آشکار و عمومی برگزار می‌شده‌است و از این‌رو به نظر نمی‌رسد که این رسم هیچ‌گاه عملاً ممنوع گردیده **آیین زرتشتی:** این جشن در نزد ایرانیان پیش از اسلام در روز خاصی انجام نمی‌گرفت و معمولاً در اواخر زمستان در



حالی که زمین در حال گرم شدن بود انجام می‌شد. ولی پس از اسلام و حمله اعراب این جشن به آخرین چهارشنبه سال موکول می‌شد؛ زیرا چهارشنبه در نزد اعراب (عرب‌های بادیه‌نشین) روزی نحس و شوم بود. چهارشنبه نزد عرب‌ها نحس نیست. از آنجا که عرب‌ها از نزدیکترین اقوام پیش از اسلام نزد ایرانیان بودند و حداقل هزار سال بخشی از ایران باستان

بودند، بسیاری از آداب و رسوم و عقاید شبیه به هم داشته‌اند و پیش از اسلام بسیاری از قبایل عربی چون بنی تمیم و بخش بزرگی از بنی‌وایل و طی و قضاعه و ایاد و انمار زرتشتی بودند و نام‌های ایرانی مانند دختنوس = دخترنوش، زراره،



بسطام = ویستهم، بسوس و سوار بین عرب‌های پیش از اسلام به فراوانی است. جشن‌ها و آیین‌های ایرانی به همه به همه ایرانیان تعلق داشته‌اند و دارند. بسیاری از آن‌ها به دوران پیش از مهاجرت آریاییان به این سرزمین بازمی‌گردند و خیلی از آن‌ها هرگز زرتشتی نبوده‌اند؛ مانند چهارشنبه‌سوری. البته برخی از مخالفین دیدگاه فوق این شبهه را مطرح

می‌کنند که اگر چنانچه چهارشنبه‌سوری را جشنی کهن و متعلق به دوران پیش از اسلام بدانیم، با دو مشکل مواجه خواهیم بود: نخست اینکه ایرانیان پیش از اسلام، هفته نداشتند و هریک از روزهای ماه را به نامی می‌خواندند. دیگر اینکه بی‌احترامی به آتش و پریدن از روی آن با سنت زرتشتیان سازگار نیست. البته در این باره چنین توضیحی نیز منطقی است که در همان نام روزها، نام روزهای یکم، هشتم، پانزدهم و



بیست‌وسوم هر ماه نام خداوند است ( اورمزد، دی، دی‌به‌آذر، دی‌به‌مهر و دی‌به‌دین) و از این رو آن که صورت نخستین هفته در آن هنگام وجود داشته و روزهای دست‌کشیدن از کار بوده باشد. قابل توجه است جدا از آن که هفته در شکل کنونی‌اش و به‌ویژه فراگیری‌اش در جهان شکلی مانوی دارد که آن هم برآمده از فرهنگ ایرانیان به‌شمار می‌رود و افزون

بر این‌ها از آن‌جا که هنوز هم شکل آغازین چهارشنبه‌سوری در قالب آتش برپا کردن بر بام‌ها در جاهایی از ایران، از جمله در خراسان جنوبی، بازمانده است. این که این جشن ریشه‌ای ایران باستانی دارد تقریباً مورد توافق همه پژوهشگران است اما قطعاً طی رویدادهایی در دوره اسلامی، احتمالاً قیام‌هایی چون ابومسلم، دگرگون شده‌است. **آیین چهارشنبه‌سوری:** یک یا دو روز پیش از آخرین چهارشنبه سال، مردم برای

گردآوری هیزم، بوته، خارستر، برگ خرما (شهر خور)، علف هرز (گاو) یا ساقه برنج (گیلان) به بیرون می‌روند. در بعدازظهر، پیش از آغاز چهارشنبه‌سوری، هیزم‌ها در حیاط خانه، یا خیابان یا میدان روستا یا شهر چیده می‌شوند. این هیزم‌ها در دسته‌های یک، سه، پنج یا هفت عددی (همیشه در عددی فرد) به فاصله چند متری از هم چیده می‌شوند. در غروب آفتاب یا اندکی پس از آن، هیزم‌ها آتش زده می‌شوند و مردان، زنان، و کودکان در حالی که «سرخ‌ی تو از من، زردی من از تو» می‌خوانند، از روی آن می‌پرند.



اعتقاد بر این است که چنین کاری، آن‌ها را در طول سال پس از بیماری و بدبختی مصون خواهد داشت. در برخی مکان‌ها (همچون نائین، انارک، خور، و ارومیه) آتش‌ها بر روی پشت بام افروخته می‌شوند و یک کوزه آب بروی آن ریخته می‌شود و خاکستر آن به درون خیابان ریخته می‌شود؛ در برخی دیگر از مکان‌ها، مراسم بر روی تپه انجام می‌شود. هیچ‌کس نباید بر روی آتش بدمد. پس از آنکه همه اهالی خانه از روی آتش پریدند، می‌بایست آتش را به حال خود رها کرد تا خاموش شود یا به وسیله آب (مثلاً در خور) آن را خاموش کرد. اگر مراسم در حیاط برگزار می‌شد، یکی از اعضای خانواده، معمولاً یک دختر نابالغ، خاکستر را بر میدارد. او خاکستر را با خاک‌انداز به چهارراهی که محل انباشت خاکسترهاست حمل می‌کند و به خانه بازمی‌گردد. هنگام رسیدن به خانه، او باید در بزند و پرسش و پاسخ‌های زیر ردوبدل شوند: «کیست؟» «منم». «از کجا می‌آیی؟» «از عروسی». «چه آورده‌ای؟» «سلامتی». مراسمی همانند با چهارشنبه‌سوری نزد ارمنیان ایران با نام درندز در ۱۴ فوریه برگزار می‌شود که شامل پریدن از روی آتش است. افزون بر افروختن آتش، آیین‌های گوناگون دیگری نیز در بخش‌های گوناگون ایران در زمان این جشن انجام می‌شود. برای نمونه، در تبریز، مردم به چهارشنبه‌بازار می‌روند که با چراغ و شمع، به طرز زیبایی چراغانی شده‌است. هر خانواده یک آینه، دانه‌های اسفند، و یک کوزه برای سال نو خریداری می‌کنند. در برخی از بخش‌های ایران در روز پس از چهارشنبه‌سوری، خانه‌تکانی آغاز می‌شود. در شیراز، مردم آتش رشته می‌پزند و برای خانه‌های همدیگر ارسال می‌کنند. مهم‌ترین و مرسوم‌ترین آیین‌های مرتبط با چهارشنبه‌سوری چنین‌اند:

**کوزه‌شکنی:** در بیش‌تر شهرهای ایران پس از پریدن از روی آتش، کوزه‌ها را می‌شکنند؛ این آیین احتمالاً ریشه در این باور دارد که شکستن کوزه باعث انتقال بدیمنی اهالی خانه به درون کوزه‌ها می‌شود و شکستن آن‌ها باعث از بین رفتن بدیمنی می‌شود. تفاوت‌های جزئی در نوع شکستن کوزه در مناطق مختلف وجود دارد. در تهران یک یا چند سکه درون کوزه جدید گذاشته می‌شود و سپس از فراز بام به درون کوچه پرتاب می‌شود. تا اوایل دوره پهلوی، بسیاری از تهرانی‌ها تمایل داشتند که به نقاره‌خانه بروند و همراه با نواختن نقاره در ساعتی مشخص، کوزه‌هایشان را به زمین می‌زند. در خراسان، پیش از شکستن کوزه، مقداری زغال، نمک، و سکه در آن نهاده می‌شد و سپس هر عضو خانواده با گرداندن کوزه به دور سر خویش، هرگونه بدیمنی و حادثه بد را به کوزه منتقل می‌کنند و در نهایت آن را از فراز بام به کوچه می‌اندازند. از سوی دیگر تقاضا برای خرید کوزه‌های تازه بالا می‌گرفت و در آن صورت سبب رونق کار استادکاران کوزه‌گر می‌گشت و از کساد بازار و بیکاری آنان جلوگیری می‌گشت.

**قاشق‌زنی:** در این رسم دختران و پسران جوان، چادری بر سر و روی خود می‌کشند تا شناخته نشوند و به در خانه دوستان و همسایگان خود می‌روند. صاحب‌خانه از صدای قاشق‌هایی که به کاسه‌ها می‌خورد به در خانه آمده و به کاسه‌های آنان آجیل چهارشنبه‌سوری، شیرینی، شکلات، نقل و پول می‌ریزد. آیین قاشق‌زنی احتمالاً نشأت گرفته از این عقیده است که ارواح نیک درگذشتگان در رستاخیز آخر سال به میان زندگان بازگشته و به شکل افرادی که رویشان پوشیده‌است به خانه بازماندگان سر می‌زنند و زندگان برای یادبود و برکت به آنان هدیه‌ای می‌دهند.

**آجیل مشک‌گشا:** در گذشته پس از پایان آتش‌افروزی، اهل خانه و خویشاوندان گرد هم می‌آمدند و آخرین دانه‌های نباتی مانند: تخمه هندوانه، تخمه کدو، پسته، فندق، بادام، نخود، تخمه خربزه، گندم و شاهدانه را که از ذخیره زمستان باقی‌مانده بود، روی آتش مقدس بو داده و با نمک تبرک می‌کردند و می‌خوردند.



نوروز واژه‌ای است آمیغی (مرکب) از دو بهر نو و روز به معنای روز نو. نوروز از واژه پهلوی «نوک روچ» (Nōk rōč) آمده است. در متن پهلوی «ماه فروردین روز خرداد» واژه به ریخت Nōgrōz آمده و منسوب به جمشید، پادشاه پیشدادی است. در سروده‌ای از ابونواس، شاعر ایرانی عرب‌سرا، ریخت کهن واژه را می‌بینیم:

بحق المهرجان و نوکروز و فرخروز ابدال اکیس

والنور کروز الکبار و جشن کاهنار

مهرجان معرب واژه مهرگان و نوکروز همان نوک‌روچ پهلوی است که وارد عربی شده است و به ریخت نوکروز آمده است. همچنین به ریخت «نیروز» نیز در عربی آمده است. در بیتی از جریر خطفی در کتاب «الصیاد» گفته آمده:

عَجَبْتُ لِفَخْرِ الْعَلْبِيِّ وَتَغَلَّبُ تَوْدِي بَرِّی النِّیروز خضار قبا

نوروز جمشیدی از نام‌های کهن و ارزشمند این جشن است و پیوند نوروز با شاه جمشید پیشدادی و زمانه آن را نشان می‌دهد. جمشید در ریشه به معنای همزاد روشنایی است. آن چنان که از نامه‌های کهن آریایی چون ریگ‌دا و اوستا و دیگر متن‌های نوین‌تر چون شاهنامه و تاریخ طبری و بلعمی برمی‌آید، زمانه جمشید زمانه آسایش و شکوفایی دانش و آرامش مردمان بوده است و نوروز، این کهن‌ترین آیین زنده جهان، یادگار آن روزگار است. در شاهنامه چنین آمده است که جمشید پس سامان دادن زندگی مردمان تختی گوهرین ساخت و بر آن نشست:

همه کردنی ما چو آمده به جای ز جای می برتر آورد پای

به فرکیانی یکی تخت ساخت چه بایه بدو کوهرا ندر نشاخت

که چون خواستی دیو برداشتی ز مامون به کردون برافراشتی

چو خورشید تابان میان هوا نشسته برو شاه فرمانروا

جهان انجمن شد بران تخت اوی گشفتی فرومانده از بخت اوی

به جمشید بر کوهرا افتانند مر آن روز را روز نو خوانند

سر سال نو هر مز فور دین بر آسوده از رنج تن، دل ز کین

هرمز یا اورمزد یا اهورامزدا نام نخستین روز از ماه‌های ایرانی است و فرودین یا فرودین همان نام آشنای نخستین ماه سال، یعنی فروردین است. پس برگزاری نوروز، بر پایه شاهنامه فردوسی، یکم فروردین یا نخستین روز بهار است. بر پایه شاهنامه، دشمنان ایران، با نوروز دشمنی می‌ورزند و می‌خواهند آن را نابود سازند و به خطر افتادن نوروز به معنای به خطر افتادن استقلال ایران زمین است. هنگامی که بهرام چوبین از خطر ساوه شاه تورانی سخن می‌راند، چنین هشدار می‌دهد که:

کند بازین راست آنگنده نه نوروز مانده جشن سده



و سرداری ایرانی، با پیروزی دشمنان ایران، پیش گویی می کند که:

از این زلغ ساران بی آب و رن نه هوش و نه دانش نه نام و نه تنگ

و یا:

هم آتش بمیرد به آتشکده شود تیره نوروز و جشن سده

بر چهره گل نیم نوروز خوش است

همچنین در شاهنامه بزرگان ایران به نوروز سوگند می خورند:

به یزدان و نام تو ای شهریار به نوروز و مهر به خرم بهار

در صحن چمن روی دل افروز خوش است

از دی که گذشت هر چه کوبی خوش نیست

خوش باش و ز دی ملوک امروز خوش است

سعدی شیرازی:

بر آمد باد صبح و بوی نوروز به کام دوستان و بخت پیروز

مبارک بادت این سال و همه سال هایون بادت این روز و همه روز

جهان بی مایی بوده است و باشد برادر بزرگنومی میندوز

حافظ شیرازی:

ز کوی یار می آید نیم باد نوروزی

از این باد ار مد خواهی چراغ دل برافروزی

سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آی

که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

اما اگر بخواهیم به منابع تاریخی دیگر نیز نگاه بیندازیم، خواهیم دید که نوروز کهنسال ریشه در جشن آکیتو (Akitu) بابلی دارد. پیشینه این جشن بهاری به هزاره دوم پیش از میلاد بازمی گردد. برگزاری این جشن در جنوب غرب ایران زمین، در شهرهای نیپور، بابل، آشور و ... گسترش داشته است. در دیوان سرایندگان پارسی - گوی، از آغاز تا کنون، بارها به نوروز و آیین های آن اشاره شده است که به چند نمونه اشاره خواهیم کرد و سخن را با این سروده - های نغز و آبدار به پایان خواهیم رساند.

عنصری بلخی:

آمده نوروز ماه با گل سوری به هم باده سوری بگیر، با گل سوری بچم

شاخ برانگینت در، خاک برانگینت نقش باد فروینت تنگ، ابر فروینت نم

منوچهری دامغانی:

منم آزار و تو نوروز خرم هر آینه بود این هر دو با هم

سر سال خسته روز نوروز جهان پیروز گشت از بخت پیروز

خیام نیشابوری:

روزی است خوش و هوای سرد است و نه گرم ابر از رخ گلزار همی شوید کرد





## سیزده به در

کرد آورنده: مریم انصاف، آموزش ابتدایی مرکز سلمان فارسی شیراز

سیزده به در سیزدهمین روز فروردین ماه و از جشن‌های نوروزی ایران است. در تقویم‌های رسمی ایران، بعد از انقلاب، این روز، روز طبیعت نامگذاری شده است. به طور کلی در میان جشن‌های ایرانی جشن سیزده به در کمی مبهم است؛ زیرا مبنا و اساس دیگر جشن‌ها را ندارد (جنیدی، ۱۳۵۸). در کتاب‌های تاریخی اشاره‌ای مستقیمی به وجود چنین مراسمی نشده است، اما در منابع کهن اشاره‌هایی به «روز سیزدهم فروردین» هست. ایرانیان باستان در آغاز سال نو پس از دوازده روز جشن گرفتن و شادی کردن که به یاد دوازده ماه سال است، روز سیزدهم نوروز را که روز فرخنده‌ایست به باغ و صحرا می‌رفتند و شادی می‌کردند و درحقیقت با این ترتیب رسمی بودن دوره‌ی نوروز را به پایان می‌رسانیدند (رضایی، ۱۳۸۱).

درباره‌ی ریشه اصلی سیزده به در می‌توان بیان کرد که در تقویم‌های باستانی ایرانی، هر روز ماه، نام ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال، روز نخست هر ماه، "اورمزد روز" و روز سیزدهم هر ماه "تیر روز" نامیده می‌شود و متعلق به ایزد تیر است. تیر در زبان اوستایی «تیشترَه» خوانده می‌شود، و هم نام تیشتر، ایزد باران است (جنیدی، ۱۳۵۸).

در باور پیشینیان برای این که ایزد باران در سال جدید پیروز شود و دیو خشکسالی نابود گردد باید مردمان در نیایش روز تیر ایزد، از این ایزد یاد کنند و از او درخواست باریدن باران نمایند. در ایران باستان پس از برگزاری مراسم نوروزی، سیزدهم که به ایزد باران تعلق داشت مردم به دشت و صحرا و کنار جویبارها می‌رفتند و به شادی و پایکوبی می‌پرداختند و آرزوی بارش باران را از خداوند می‌نمودند. اکنون هم زرتشتیان از بامداد روز تِشتر ایزد و فروردین ماه، سفره نوروزی را برمی‌چینند، خوردنی‌ها و مقداری آجیل و شیرینی‌های باقی‌مانده در سفره نوروز را با خود به طبیعت می‌برند و سبزه‌های موجود در سفره را با خود برمی‌دارند و به دشت و صحرا و کنار چشمه‌ها یا آب‌های روان می‌روند. سبزه‌ی خود را در کنار جویبارها به آب روان می‌سپارند و آرزو می‌کنند که سالی پربرکت و خرم داشته باشند. تا فردای آن روز را بیرون از خانه هستند و در طبیعت و میان سبزه و صحرا به شادمانی می‌پردازند (نیکنام، ۱۳۷۹).

سیزده به در دارای آیین‌های ویژه‌ای است که در درازای تاریخ پدید آمده و اندک اندک چهره سنت به خود گرفته است. از آن جمله می‌توان آیین‌های زیر را برشمرد: گره زدن سبزه، سبزه به رود و آب روان سپردن، خوردن کاهو و سکنجبین، پختن خوراک‌های گوناگون به ویژه آش رشته و پرتاپ ۱۳ عدد سنگ به ویژه مناطق کرد نشین و ... .



دین مبین اسلام، با خرافه و اعتقاد به نحسی روز سیزده نوروز مخالف است؛ وگرنه، رفتن به دل طبیعت، جلابخش روح است و جان را مصفا می کند (سوری، ۱۳۸۴). مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، در کلامی ارزشمند، با اشاره به این مسأله می فرمایند: «ما ایرانی ها، عید نوروز را دوست می داریم و آن را جشن می گیریم، اما جشن ما، یک جشن سالم است...؛ البته بعضی از مراسم هست که قابل اصلاح نیست. مثلاً اسلام درباره مراسم خرافی از روی آتش پریدن، حرفی ندارد و (آن را) تأیید نمی کند؛ اما هیچ اشکالی نمی بیند که مردم، فرض بفرمایید در مناسبتی از مناسبت های عید، به فضای باز بروند، با سبزه و طبیعت و صحرا دیداری تازه کنند و لذت صحیح و سالم ببرند؛ (این ها) مانعی ندارد» (بیانات رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر، ۱۳۷۸).

معصومین (علیهم السلام) نیز به طبیعت اشاره دارند و در کلام آن ها طبیعت و حفظ طبیعت بیان شده است؛ به عنوان مثال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «نخل را نسوزانید و آن را در آب غرق نکنید. درخت بارور را قطع ننموده و زراعت و کشاورزی را به آتش نکشید؛ زیرا شما نمی دانید، شاید در آینده به آن نیازمند شوید» (کلینی، ۱۳۶۳).

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «نگاه کردن به سبزه، موجب شادابی است» (امام علی، ۱۳۹۱). حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «زندگی با سه چیز خوش است: هوای پاک، آب فراوان و گوارا، و زمین نرم و آماده کشاورزی» (حرّانی، ۱۳۷۶).

سیزده به در یا روز طبیعت با هدف پیوند انسان با طبیعت و پاسداشت و حفظ محیط های طبیعی به وجود آمده است. بنابراین باید این نعمت خداوندگاری را که در دست ما انسان ها امانت است؛ برای نسل های بعد حفظ کنیم. مقام معظم رهبری، با اشاره به این امانتداری خطیر می فرماید: «باید همه چیز را که خدای متعال در این کشور به ودیعه گذاشته است، احیا کنیم و در اختیار نسل کنونی و نسل آینده قرار بدهیم. منابع طبیعی... [و] طبیعت نیکویی که در اختیار ماست، میراث عظیمی که گذشتگانمان در اختیار ما گذاشته اند و خیلی چیزهای دیگری که در اختیار ماست، باید آن ها را احیا کنیم و در واقع، نِعَم الاهی را استخراج نماییم» (بیانات رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶).





پخت سمنو از سنت های دیرینه شیرازی هاست که همه ساله در اسفند ماه و در روزهای پایانی سال برگزار می شود. شیرازی ها با پخت سمنوی نذری به استقبال سال نو می روند و با طبخ آن عشق و ارادت خود را به حضرت فاطمه زهرا (س) ابراز می کنند. پخت سمنو نماد برکت محصولات کشاورزی است و نوید سال نو و پربخت بودن سال زراعی جدید را می دهد. سمنو که از جوانه گندم تازه تهیه میشود از زمان آغاز طبخ تا تهیه کامل بیش از ۲۰ ساعت به طول می انجامد. در سمنو علی رغم این که هیچ گونه مواد شیرین کننده ای افزوده نمی شود ولی به دلیل وجود جوانه گندم تازه شیرین می شود. پخت سمنو همچنین به منزله برآورده شدن حاجات نیز انجام می شود و افراد با جمع شدن دور دیگ سمنوی در حال طبخ ضمن دعا خواندن آرزوها و حاجات خود را هم از خدا طلب می کنند.

سمنو به عنوان نماد زاییدن و باروری گیاهان و سمبل برکت، فراوانی و نیرومندی که یکی از سین های سفره هفت سین نوروزی ایرانیان را از روزگار قدیم تاکنون را تشکیل می دهد به واقع خوراکی شیرینی است که از جوانه گندم و آرد تهیه می شود. در شهر شیراز از زمان گذشته تاکنون مراسم سمنو پزان توسط زنان با تجربه و باایمان انجام می شود و عدم اجرایی دقیق این مراسم هنگام تهیه سمنو باعث تلخ شدن طمع سمنو می شود. به علت آب و هوای خشک و فرارسیدن زود هنگام بهار در شهر شیراز، در نیمه دوم اسفند ماه هر خانواده به تنهایی و یا با کمک تعدادی از خانواده های فامیل اقدام به تهیه سمنو می کند. برای تهیه سمنو زنان خانواده دور هم جمع می شوند و براساس تعداد نفرات و نذری که دارند مقداری گندم را جدا و پاک می کنند سپس گندم ها را در داخل چند سینی پهن کرده و خیس می کنند، بعد از سه روز گندم ها را جدا کرده و سبز می کنند. زنان شیرازی به دلیل اعتقاد خاصی که دارند در ایام بارندگی نیسان (بارانی که اواخر اردیبهشت ماه تا اواخر خردادماه می بارد) مقداری آب باران را در شیشه نگهداری می کنند و در زمان پخت سمنو از این آب برای خیساندن دانه های گندم استفاده می کنند زیرا که معتقدند سمنوی پخته شده با این آب علاوه بر داشتن خیر، برکت، طعم و مزه بسیار مناسب، باعث پربار شدن سفره نان شان می شود. بعد از پنج تا هشت روز دانه های گندم جوانه زده را در هاونگ مسی می کوبند تا نرم شود و شیره بیندازد، سپس گندم ها را در داخل دیگ مسی می ریزند زیرا که اعتقاد دارند طرف مسی باعث جا افتادن سمنو و خیر و برکت می شود. عد از ریختن گندم ها در داخل دیگ به تدریج آرد اضافه می شود، در این میان باید افرادی به صورت پیوسته محتویات داخل دیگ مسی را هم بزنند تا از ته گرفتن و خراب شدن سمنو جلوگیری شود. با توجه به اینکه تهیه و پخت سمنو حدود ۱۲ تا ۱۵ ساعت طول می کشد، برای جلوگیری از خسته شدن فرد نذر کننده سمنو تمامی اطرافیان تلاش می کنند تا به نحوه ای در درست کردن سمنو با صاحب نذر همکاری کنند. بعد از پختن و جا افتادن کامل سمنو، در آن مغز بادام و گردو ریخته می شود و پس از مدتی یک پارچه سفید رنگ تمیز روی سطح سمنو پهن میکنند در ادامه نیز مقداری گلاب ناب دو آتش به نیت طاهر و طیب شدن سمنو روی پارچه می پاشند و شمعی نیز زیر دیگ روشن می کنند تا سمنو دم بکشد. در این زمان حاضران یا هرفردی که نظر و حاجتی دارد حاضر شده و نماز شکر بجا آورده و حضرت فاطمه (س) را واسطه قرار می دهد. بعد از اطمینان از دم کشیدن سمنو زنان به صورت دسته جمعی دور دیگ صلوات می فرستند و دعا می خواند و سپس اقدام به برداشتن پارچه سفید می کند و همگی با هم نظاره گر سطح سمنو می شوند زیرا که اعتقاد دارند فرورفتگی سطح سمنو نشانه ی پنجه حضرت فاطمه (س) است. سمنوی پخته شده بین افراد حاضر و همسایگان، دوستان، تقسیم می شود و فردی که برایش سمنو برده شده است به رسم سپاس تکه نبات یا مقداری نقل در داخل بشقاب می گذارد.



در خم ثانیه‌ها چشم زمان در تردید  
چشم در چشم زمین منتظر یک تایید

عید از کوچی تقویم گذشته یانه؟!  
کم کم از کم رمقی بسته شده چشم امید!

در گذرگاه زمان هرچه جلوتر رفتیم  
بیشتر می‌شود از معنی این جمله چشید:

«ساز ناکوک جهان منتظر بازدمی است،  
که به اعجاز نوایش برسد لحظه‌ی عید»

عید آن روز شود عید که او برگردد  
سالها پیش شده عید جهان در تبعید!

آنچه از هجر نیامد به زبان غزل  
قطره اشکی شد ویر گونه‌ی شعرم لغزید

چشم بر جاده‌ی برگشتن تو دوخته‌ایم  
چشم بر لحظه‌ی زیبای طلوع خورشید!



## منابع

- گاتاها: سروده‌های اشوزرتشت (۱۳۹۳) پژوهش و نوشته آبتین ساسانفر. تهران: بهجت
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۹۴) دانشنامه مزدیسنا. تهران: مرکز
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۹) اسطوره زندگی زرتشت. تهران: چشمه
- دوشن‌گیمین، ژاک (۱۳۹۴) زرتشت و جهان غرب. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: هیرمند
- میرزایی، حسین (۱۳۹۳) آیین نوروزی و کارکردهای آن. انسان‌شناسی و فرهنگ
- مختاریان، بهار. نمادشناسی نوروز
- لغت‌نامه دهخدا
- علی‌ابن ابی طالب (۱۳۹۱). نهج البلاغه. محمد دشتی. قم: نشتا.
- بیانات مقام معظم رهبری. ۱۳۷۶/۱/۱. به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶.
- بیانات مقام معظم رهبری. ۱۳۷۸/۱/۱. در دیدار زائرین و مجاورین حرم.
- جنیدی، فریدون (۱۳۵۸). زروان. تهران: بنیاد نیشابور.
- حرّانی، ابن شعبه (۱۳۷۶). تحف العقول؛ سخنان چهارده معصوم. محمد صادق حسن‌زاده. قم.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۱). اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان. تهران: دُر.
- سوری، سمیه (۱۳۸۴). «روز طبیعت». گلبرگ. شماره ۶۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. قم: دارالحدیث.
- نیکنام، کوروش (۱۳۷۹). از نوروز تا نوروز. تهران: فروهر.
- فروه‌شی، بهرام (۱۳۹۰) فرهنگ زبان پهلوی. تهران: دانشگاه تهران
- فردوسی (۱۳۶۶) شاهنامه. به کوشش جلال خلّقی‌مطلق. دفتر یکم، نیویورک: Persian Heritage Foundation
- غیبی، بیژن (۱۳۹۷) دوازده متن باستانی. تهران: موقوفات محمود افشار
- جعفری‌نژاد، سید ابوالفضل (۱۳۸۸) نوروز در آثار کلاسیک فارسی، آفتاب اسرار، ش ۹، ص ۸۶-۹۷
- جنیدی، فریدون (۱۳۸۸) نوروز: ستایش دانش ایرانیان، منظر، ش ۵، ص ۶۸-۶۹
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۴) نوروز بابلی: اکی‌تو، اخبار ادیان، ش ۱۳، ص ۹۹-۱۰۱
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۷۰) همه روزگار تو نوروز باد: پژوهشی درباره نوروز، ادبستان فرهنگ و هنر، ش ۲۷، ص ۷۳-۸۳
- ویکی پدیا
- خبرگزاری فارس



@IRAN.SHAHR.CFU



@SHIRAZI1998ALI

@2N000R





بهار

دوباره آمد از راه

چقدر روزهای آخر

زمستان احساس نرمی دارد

شنل زرد آفتاب

بر سر شانه هایم

پر از مهر می تابد

و میان برکه و رودخانه ها

با غصه ها بیگانه ام

و مملو ام از

حس تازه‌ی دوست داشتن ...

فرشته باباخانی

